

رفت کتاب الفصوص را برای منصور بن ابی عامر که والی آن دیار بوده تألیف داد و صلهٔ
 یاصد اشرفی طلا نایل گردید از آن رو که متهم نکذب بوده کتاب وی قابل اعتنا بود
 منصور نیز پس از آنکه کذب و بی‌مبالاتی او مکشوف گردید و بطلان مطالب آن کتاب
 معلوم شد آن را در دریا انداخت ، یکی از شعرا در این باب گفته است

قد عاص فی البحر کتاب الفصوص و هكذا کل ثمیل یصوص

پس صاعد شده و این بیت را اشاء کرد

عاد السی عصره انما یخرج من قعر البحور الفصوص

نوادری بسیاری بدو منسوب می‌باشد و سال ۴۱۷ هجری (تیر) در صقلیه وفات یافت
 (ص ۲۴۸ ح ۱ کا)

علی بن عیسی بن فرح بن صالح - ربعی الفیلة، ابو الحسن الکیة،

ربعی

شیرازی الاصل ، بغدادی المسکن والمدون ، از اکابر علمای

عربیّه و مشاهیر نحویین و ادبا و فنون ادبیّه و اربیشوایان علم نحو میباشد ادبیات را

در بغداد از سیرافی فراگرفت، پس شیراز رفته و بیست سال با ابوعلی فارسی بلمقد نمود،

بار بغداد برگشت ابوعلی می‌گفته که چیزی از مسائل نحو نه و فنون عربیّه نمانده که

ربعی محتاج سؤال آن ناسد، بزرگویند اگر از مشرق تا بمغرب سیاحت کنم کسی را پیدا

نخواهم کرد که معرفتس در نحو بیشتر از ربعی باشد این حکاکن گویند زوری ربعی در کنار

دخله گردش میکرده، دید که سید مرتضی و سید رضی و عثمان بن حنی در کشتی شسته‌اند

در آن حال گفت عجب تر از احوال شریفین آن است که عثمان برد ایشان شسته و علی (که

خود ربعی است) در کنار شط دور از ایشان راه می‌رود ناری از تألیفات ربعی است

۱- المدیغ در نحو ۲- شرح الایصاح که ایصاح اسناد خود ابوعلی فارسی را شرح

کرده است ۳- شرح البلغة ۴- شرح مختصر الحرمی ربعی سال ۴۲۰ هجری (ک) در بود

و دو سالگی در بغداد درگذشت

(ص ۳۷۴ ح ۱ کا و ۴۸۳ ب و ۷۸ ح ۱۴ حم و ۷۱ ص و ۶۹ ح ۶ مه و ۱۷ ح ۱۲ تاریخ بغداد)

عیسی بن ابراهیم بن محمد - یمی ربعی فقیه فاضل لعوی ، کتاب

ربعی

النظام العربی در لغت از تألیفات او است این کتاب فقط در

لغات اشعار بوده و در قاهره چاپ شده است وی سال ۱۳۸۰ هجری قمری (تف) درگذشت
(ص ۹۲۷ مط)

ربعة الرأی

ربعة ابن ابی عبدالرحمن فروح - مکسی با عثمان، محدث شهر
عامی که فقیه اهل مدینه بود، بحسب کسی است که در احکام
شریعت ناب عمل برأی و قیاس را مفتوح نمود، در این موضوع کتاب نوشت و فتوی داد،
مسائل مردم را روی همین دو اصل جواب داد، در تشیید مابی و استحکام اساس آنها اهتمام
تمام نکار برد و بهمین جهت ربعة الرأی شهرت یافت و او جماعتی از صحابه را دیده
است مالك بن اس بن ائمة اربعة اهل سنت، از وی احد و روایت کرده و می گوید که
حلاوت فقه بعد از وفات ربعة از بنی رفت از ربعة پرسیدند چطور شد که شاگردت
مالك، بحسب تو، از بار و نعمت دنیا محطوط و متعتم شد لکن خودت از علم خود حطی
بردی؟ گفت يك مثقال افعال بهتر از يك نار علم است در روصات الحیات گوید حمدالله
مستوفی از ربعة نقل کرده است که پنج طایفه در عالم نادرالوجود هستند عالم راهب،
فقیه صوفی، عسی متواضع، فقیر شاکر، سید علوی سنی و شاید پنج طائفة دیگر نیز
در نادرالوجود بودن ملحق بایشان شوند ناراری متورع، ندوی فقیه، ربیای ناعمت،
پرطمع عریز، شاعر صادق ربعة سال ۱۳۶ هجری قمری (قلو) در شهر هاشمیة از نواح
شهر اسار از بلاد عراق عرب درگذشت (ص ۲۸۲ ب)

رحانی

در اصطلاح رحالی، لقب حسین بن عبدالله، عبدالله بن محمد
و غیره بوده و شرح حال ایشان موکول بکتب رحالیة میباشد
رحان (برورن عطّار) نام وادی بررگی است از نجد که این بست هم بدان وادی است و
سر نام بلده است که نوشته قاموس آن را ارحان نیز گویند محمی نماید که رحان (که
حرف آ حرش نون است) غیر از رحار است (که آ حرش حرف رای هور است) و آن نیز
(برورن عطّار) وادی بررگی است در نجد و برورن کتاب موضعی است دیگر
(صد و سقیح المقال و عره)

بنا بر بعضی از نسخه‌ها ، یا رحی بنا بر نسخه دیگر ، لقب
حریر بن عثمان بوده و شرح حالش موکول به علم رحال است در

رحی

تفصیح گوید شاید رحی مسوب نال رحا باشد که یکی از بطون قبیله ربید بوده و در موصع
صرحد نامی از بلاد شام سکونت دارند ، اما رحی یکی از بطون همدان از قبائل قحطاییه
است حناچه در تفصیح المقال گفته و از حرکتش نامی سرده است و در مرآصد گوید رحی
بصم اول و فتح ثانی نام موضعی است

لقب سروسکین بن عماره بوده و رجوع بر حال نماید

رحال

سید عبدالرحمن - بعوان سید فراتی خواهد آمد

رحاله

حریر بن عثمان - و رجوع به رحی نماید بزرگویم محتمل است
که مسوب بر حبه باشد و در مرآصد گوید رحمة بصم اول ، دیهی

رحی

است در دوفرسجی صنعای یمن و موضعی است در نك مرئی کوفه و ناحیه ایست هابین شام
و مدینه و بفتح اول بیر حدین موصع است که با قیود مختلفه از همدیگر امتیاز یابد
حناحه رحمة خالد موضعی است در دمشق که مسوب بحالد بن اسید است ، رحمة حبیس
محلّه است در کوفه که حبیس بن سعید نسبت دارد ، رحمة هالك در ساحل فرات بوده و
مالك بن طوق در زمان مأموش بنا نهاده ، رحمة الهدار صحراى مسطحی است در بامه ،
رحمة یعقوب در بغداد و به یعقوب بن داود و در مهدی عباسی مسوب است

محمد بن علی بن محمد بن حسن - رحی ، شافعی فرسی ، مکئی

رحی

یا بو عبدالله ، معروف بابن المتصنة ، ملقب بموفق الدس و از

تالیفات او است

بعية الباحث عن حمل الموارث که علم فرائض و موارث را موافق مذاهب اربعة اهل

سنت بنظم کرده و بر حیه یا از حوره رحیه معروف و در لیدن با ترجمه انگلیسی و در
الحرائر با ترجمه فرانسوی آن چاپ شده است رحی سال ۵۷۷ یا ۵۷۹ قمری (شعر
یا ثعط) در هشتاد سالگی درگذشت (ص ۹۲۸ مط)

یوسف بن حیدره - مکتب برصی الدین ، مکتبی نابوالججاج ،

رحمی

ارمشاهیر اطبای اسلامی میباشد که پدرانش از اهالی رحبه بوده

و خودش سال ۵۳۴ هـ ق در حریره این عمر متولد و مدتی در آنجا و مصر و بغداد و رحبه

تکمیل مراتب طبی برداشت ، عاقبت بطبابت بیمارستان دمشق منسوب شد و سال ۶۳۱ هـ

قمری (حالا) در بود و هفت سالگی درگذشت (ص ۲۲۸۷ ج ۳ س)

محمد عبدالشکور ابن حکیم شیرعلی - و معروف برحمان علی ،

رحمان علی

عالمی است فاضل و طبیبی است کامل از فصلاهی نامی او اخر قرن

سزدهم هجری هند که اوائل قرن چهاردهم را نیز درک کرده است روز جمعه دویم

دی الحیدر سال ۱۲۴۴ هـ قمری متولد و در دینار خود کسب مراتب علمیه نمود و سال ۱۲۷۸ هـ ق

در مقام ربوان مسجیدی از سنگ بنا نهاد و تألیفاتی نیز دارد

۱- آداب احمدی بر بان آورد و در سن رواند که در بنارس چاپ شده است

۲- انبیه الاسلام که شرح حدیث نبی الاسلام علی خمس بوده و در استانبول چاپ شده است

۳- تحفة الفصلاء فی تراجم الکملاء که تذکره علمای هند است و چاپ شده ۴- تحفة معمول

در فصائل رسول ص بر بان آورد و در مطبعة نظامی هند چاپ شده است ۵- ریاض الامراء

بیر در شرح حال علمای هند بوده و در لکهنو چاپ شده است ۶- طب رحمانی مشتمل

بر معالجات فلیل الاحراء ۷- فوائد حلالیه که منظومه ایست در نحو و در دهلی چاپ شده

۸- بحیة البحرین در قواعد حفظ صحت مشتمل بر قواعد مسلمة اطبای یونان و هندوستان

و در لکهنو چاپ شده است سال وفاس بدست بیامد

(ارکناک تحفة الفصلاهی مذکور اسجراح سد)

سوردا عبداللہ - یسر حکیم شیراری ابن وصال شیراری که ارسرای

رحم

اوائل قرن حاضر چهاردهم هجرت میباشد ، در سرگسن ماهر و

در ریاضیات و ادبیات حمیر بوده و او است

رأس عشق تو نا این دل و برانه سوخت هر چه حر مهر رخت بود در این خانه سوخت

هفت ارهقت پروانه حجل گشت چو دید که حدسان حویس بر آتش ردو مردا بدسوح
رمان وفاش بدست بیامد ولکن درباریح بآلیف آ نار عجم که سال ۱۳۱۳ ه قمری بایان
رسیده درقید حیات بوده است وترحمه حال پدرش بعنوان حکیم شیرازی نگارسی یافته
و حدش بر بعنوان وصال شیرازی خواهد آمد (ص ۳۶۲ عم)

سررا محمد - کوره کنانی الاصل ، اصفهانی الموطن ، ار و صلا و
رحمت

شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار میباشد که در دیوان اسما منصب
یافته و نامر همایونی کنان ریست الحکایات را بآلیف داده است ، رحمت ، بخدمت عرفا
و مشایخ طریقت رسید، عاقبت طریقت سلسله دهیبه را برگزید وی مرشح ارباب حال
و اصحاب کمال بوده و ار او است

ای حوشا عشق و حوشا بدنامیس عین کام آمد همه باکامیس
ار تو پیدا هرچه باسدستی ور بو ریا هرچه باریبستی
داستان عقل و عشق ارهم جدا است هرمتاعی را ساراری دها است
حد پویم درسی ایس آرو شهر شهر و حانه حانه کو بکو
حد برم سیل عم رین جستجوی دخله چشمه حسمه حوی حوی
دیده دریا کردم و دل عرق حون نا چه آرام با چه سارم رین فرون
ار طلب فارغ بودم هیچگاه روز روز و هفته هفته ماه ماه
کریبای عشق هستی سور را عالم بحرید جان افرور را
دام ار بالای ما بالاسر است سوی او راه ار طریق دیگر است
سال وفات و دیگر مشخصات بدست بیامد

کوره کنان دهبی است بررگ در حدود ده فرسخی تبریز
(ص ۴۵ ص و ۴۵۲ ح ۲ مع)

در اصطلاح رحالی ، لقب عثمان بن حامد بوده و رجوع بدان علم سود
صم اول و سکون ثانی ، لقب محمد بن فرح میباشد و سرح
رحمی
حالش در علم رحال است

- برورن برار ، بمعنی دگمه فروش و یا دگمه‌سار ، در اصطلاح
 رزار
 رحالی ، لقب محمد بن عمر و نحتری و ابوالعباس محمد بن
 جعفر و بعضی دیگر بوده و ترجمهٔ حال ایشان موکول بدان علم است
- محمد بن زید - رجوع بعلم رحال شود
 زرامی
- ارشد فرقهٔ هاشمیّه و اتباع زرام نامی هستند و گویند امامت بعد
 از ابوهاشم بن محمد بن حنیفهٔ عبدالله بن عباس منتهی گردیده است
 زرامنه
- ترجمهٔ حال هر دو موکول بر حال میباشد
 حمیر بن ایساس }
 حرف اولی ررقی سایر بعضی ارسح (رای }
 زرقی
 عبدالله رحمن بن محمد }
 بی نقطه) و دویمش رای (با نقطه) بوده و در }
 اکثر مسح برعکس آن است و خواهد آمد }
 زرمی
- لقب عبدالله بن زبیر و فصل بن زبیر و بعضی دیگر میباشد و
 شرح حالتان در علم رحال است
 زسان
- عبدالله بن احمد - شرح حالس موکول بعلم رحال است
 زسی
- سعید بن فرح - مکتبی یا نوح عثمان ، ادب فاضل شاعر ماهر لغوی ،
 فصاحت او صرب المل بود ، چهار هزار از حورهٔ عربی در حفظ
 داشت و سال دویست و هفتاد و دویمهٔ قمری در مصر درگذشت (ص ۲۱۹ ح ۱۱ حم)
- عبدالله بن علی بن عبدالله - بن علی بن حلف بن احمد بن عمر
 رساطی
- اندلسی لحمی ، مکتبی یا نوح محمد ، مورّخ محدّث رحالی میباشد
 که بهر يك از این سه علم اهتمام تمام داشت ، کتاب افتناس الانوار و التماس الارهار فی اسان
 الصحابة و رواة الانار ، ناساوت اسان سمعانی ، اربالیفات او است وی صبح روز جمعه
 بیستم حمادی الاولی از سال ۵۴۲ قمری (۱۱۴۲) در بغداد و هفت سالگی بدست دشمنان
 خود مقتول گردید
- رساطی صمّ اول مسووب سپهر و قبله نمناشد ، بلکه موافق آنچه از کتاب مذکورش
 نقل شده در بدن یکی از احدادس حال بررگی بوده (که عربی شامه گویند) و زنی عجمی

که حادمهٔ حدّ مذکورش بوده موقع باری دادش رشاطه می گفته است (که گویا تحریرش آن لفظ شامه است) این کلمه از آن حادمه بسیار استعمال یافته تا آنکه لقب مشهوری وی گردید و صاحب ترجمه را بر جهت اتساب با و رساطی گویند (ص ۲۹۱ ح ۱ ک)

سرور ابوالعاسم بن محمد انراهمیم - رشتی اصفهانی ، از افاضل

رشتی

ادبای عهد ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه قمری) و مؤلف

کتاب التحفة الناصریة میباشد که سال ۱۳۷۸ ه قمری در تهران چاپ و محتضاتی است از

اشعار عرب و بناوای متفرقه ارمدایح و مرانی و احلاق و غیرها منوّب است رمان وفاتش

دست بیامد و طاهرأ در اواخر قرن سیردهم هجرت بوده است

(ص ۹۳۲ مط ف و ۱۳۲ ح ۸ عن)

حاج میرزا حسبالله - فقیهی است حلیل القدر محقق مدقق عابد

رشتی

راهد متقی اصولی ، از اعظم فقها و اصولیین امامیه و ارتلامده



شیخ مرتضی اصفاری سالف الترحمة ،

در فقد و اصول متفرد ، مراتب عالیهاش

مسلم افاضل عصر خود ، حورۀ درس

او مرجع استعاده علمای عراق و دیگر

آفاق ، صیت سحر او بلاد عرب و عجم

را فرا گرفته و مرجع تقلید و تدریس

و قوی بود ، او را برحاج میرزا

محمد حسن شیرازی آسی الترحمة و

دیگر معاصرین بر حیح می دادند و

و تألیفات حلیله اس بهترین معرف سحر

علمی وی میباشد

عکس حاج سرور حسبالله رشتی - ۱۷

۱- الاحاره که تمامی فروعات نادره را حاوی و مصنّف احکام بیع فصولی و بیع

معاظاة هم بوده و در بهران چاپ شده است ۲- اجتماع الامر والنهي ۳- الامامة ۴- ندایع الافكار در اصول فقه که فقط يك قسمت از مباحث العاظآن با مسئله امر شيء بهي از صد بصيمه تعادل و سراجيع در يكجا در بهران چاپ شده ۵- التعادل والتواحيح که ذکر شد ۶- التهريرات که تفريرات فقهی و اصولی استاد حدود شيخ انصاری است ۷- تفييد العلم ۸- العصب و این دو آخري بيز در تهران چاپ شده است ۹- كاشف الظلام في علم الكلام صاحب ترجمه سال ۱۳۱۲ هـ قمری (عشيب) در بحف اشرف وفات یافت و در حجره حسب باب ساعت از صحن معديس مر تصوی طرف راست کسی که خارج میشود مدفون گردید (دریعة و ۱۶۲ ح ۱ عه)

سید کاظم بن قاسم - حسینی گیلانی رشتی حائری، از علمای او اسط

رشتی

قرن سیزدهم هجرت و اراکانر بلا مده شیخ احمد احسائی سالف الترجمة



عکس سید کاظم رشتی - ۱۸

میباشد ، بعد از وفات استاد مذکور حدود نایب حساب او شد و در تمامی امورات دبینه مرجع و بشوای شیخیه گردید و تألیفات بسیاری دارد

- ۱- اثبات وجود الحق ۴- اسرار الحج ۳- اسرار الشهادة ۴- اسرار العبادة ۵- الاسم الاعظم و تحقیق ما تعلق به ۶- اصول الدین ۷- النهائية ۸- تهذیب النفس و احیاء العمل ۹- ترجمه کتاب حیات المؤمن استاد مذکور ۱۰- حوانات الاسئلة التوحیدية ۱۱- حوانات الاسئلة الدهلویة ۱۲- حوانات الاسئلة الشيعية ۱۳- الحجة البالغة فی رد اليهود والنصارى وسائر الملل الباطلة ۱۴- دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدين ۱۵- شرح حطمة طنجیه یا طنجیه و

این حطه در بهج البلاغه نوب ۱۶- شرح دعاء السمات ۱۷- شرح قصیده لامیه عبدالباقی
 عمری درمدح حضرت موسی بن جعفر ع ۱۸- علم الاحلاق والسلوك ۱۹- اللوامع الحسبیه
 ۲۰- المححة الدامعة ۲۱- مقامات العارفين و غیر اینها که در حدود صد و پنجاه کتاب و
 رسائل متفرقه بنو مسوب میباشد و اغلب آنها چاپ شده است در احسن الودیعة گوید
 سید رشتی دارای مؤلفات بسیاری است که احدی چیری از آنها نفهمیده است گویا که ما
 زبان هندی حرف میرند خصوصاً شرح حطه و شرح قصیده او که مملو از لغز و معنی بوده
 و حالی از عبارات فصیحیه میباشد ماری سید رشتی سال ۱۲۵۹ هـ قمری (عربط) وفات
 یافت و حمله عاب نور ماده باریج او است سید علی محمد باب مقتول و حاج کریم خان
 کرمانی (متوفی در ۱۲۸۸ هـ ق) نیز از تلامذه وی میباشد و یا آنکه حاج کریم خان، ناظر
 بعضی از اهل عصر از تلامذه خود شیخ احمد احسائی بوده و سید رشتی تلقد کرده است
 (ص ۲۶ ت و ۱۷۲ ح ۲ ع و مواضع منفرقه از دریعة)

رشتی میرزا محمد علی بن محمد نصیر - بعنوان مدرس خواهد آمد

رشید

رشید	{ ابن ربیر یا اسوانی	احمد بن علی بعنوان ابن ربیر در باب کسی مذکور خواهد بود
رسید		دیلمی - میر رشید بعنوان دیلمی رشید مذکور شد
رشد		عسائی - همان رشید ابن ربیر فوق است

۱- رشید - عنوان مشهوری چند تن از اکابر علم و فضل و هنر میباشد که دیلانتر حمة
 احتمالی هر يك از ایشان باسدارة مساعدت و وسائل موجوده میپردازیم ، بعضی دیگر را سر که
 باصمام قندی دیگر معروف هستند باهمان عنوان مقیدی آن مذکور خواهیم داشت (مثل رشد الدین
 و مانند آن) چون بحسب عادت معمولی اهل عرف که در محاورات خودسان مسامحه کرده و
 هر يك از دولفظ رشید و رشد الدین و هم چنین رسی و رسی الدین و اشیاء اینها را در موقع دیگری
 استعمال نماید اینک مراجعین اس و حصره درجانی که شرح حال منظوری خودشان را در یکی از
 این دو عنوان رشد و رشد الدین پیدا نکردند بعنوان دیگری مراجعه نمایند و در رسی و رسی الدین
 و اشیاء آن سر همین رویه منظور خواهد شد

فاروقی، ابوالقاسم بن اسمعیل بن مسعود بن سعید - ملقب بر رشیدالدین،

رشید

مشهور بر رشید فاروقی، فقیه فاضل بحوی لغوی کاتب معسر طیب

اصولی که در نظم و نثر و فصاحت و بلاغت بر دیگران تفوق داشت، مرجع استفاده جمعی

وافر، از فصای عصر خود بود، ریاست فنون ادبیه ندو منتهی گردید و در چهارم محرم

سال ششصد و هشتاد و نه از هجرت در فریة طاهریة تقدیمه اش را گرفته و حقه اش کردند

طاهریه نام دو قریه است از مصر که بظاهر نامی، از خلفای مصر منسوب است

(صد و سطر ۱۱ ص ۷۷ ت)

فاروقی - همان رشید و طواط مذکور در زیر است

رشید

وطواط، محمد بن محمد بن عبدالحلیم عبدالملک - بلخی المولد،

رشید

عمری النسب، رشیدی یا رشیدالدین اللقب، و طواط الشهیره،

که بجهت سرعت حرکت و عفارین حشه اش بهمین اسم و طواط که نام عربی پرستو است

شهرت داشت، چنانچه بجهت اتساع عمر فاروق ابن خطاب (که بیارده واسطه نسب

ندو رساند) فاروقی نیز موصوف می باشد، گاهی بحواحه نیز موصوفش داشته و حواحه

رشیدالدین گویند ناری وی حکیمی است فاضل ادیب شاعر ماهر فصیح بلیغ و دوفنون

و تیرریان بلکه از عجائب دهر و نوادر زمانش می شمارند، در فن اشعار عربی و پارسی

مهارتی سرا داشته و از مشاهیر شعرا می باشد کاتب سلطان علاءالدین اسر حواریه شاه

هندی و مداح و ملک الشعرا وی بود، در یک آن، شعری عربی و شعری پارسی میگفت

بلکه یک شعر را از عربی و پارسی ترکیب میداد، در معرفت اسرار نحو و ادب و دقائق

کلام عرب دانایترین اهل زمان خود بود، اشعار او حاوی محاسن لطیفه و معنویة

ندیعیه می باشد، نا ادیب صابر و حکیم انوری و حکیم سوری معاصر بوده و از اشعار او است

بسم و عزم و حرم و درم، گوئی عارت داری که با رخاتم هتس از رستم س از بیزن دل از حیدر

بچشم و حلم و عفو و طمع بردارد اگر گوید رگ از خاک و یک از باد و دم از آب و بهار آذر

چهاربندار از ساه و حیل و فوج و لشگری داری دل از آهن س از حوش بر از حقتان سر از معر

شده ملکت تو خوب و بدیع و ناره و ریبا
 به حشت و تبع و تیر و شل گرفته پیش تو آرند
 همی تا رنگ و بوی حلق و نام تو پدید آرند
 مبادا حالی و فرد و تپی و دور حسرو را
 حو طبع ارباع و ناع و ناع ارشاح و شاح ادر گ و بر گه ادر
 پلمگ ارشح هژ بر ار گه بهگه ادر بحر و شیر ادر
 در ارسیم و می ارتاک و حر ارشال و گل ادر عشر
 دل ارشادی لب ارحده کف ارحام و سر ارافسر
 سر از قصائد او است که در مدح حوادرمشاه گفته است

شاهها سارگاہ بو کیوان نمیرسد
 يك لحظه بیست در همه آفاق حافقین
 فریاد از ایسحیان که خردمند را در او
 چہنال در نعم و ارباب فصل را
 چاہل بمجلس اندر و عالم برون در
 آروده شد و حرص درم جان عالمان
 منت حدایرا که مرا در دماہ بو
 در ساحت تو ، گسند گردان نمیرسد
 کابحار سارگاہ تو فرمان نمیرسد
 بهره بحر سوائب و حرمان نمیرسد
 بی صد هزار عصه یکی مان نمیرسد
 حویبند بحیلد راه و بندران نمیرسد
 دیساری ار گسراف بندیشان نمیرسد
 آمیب و حادثه بدل و جان نمیرسد

سر از اشعار عربی رسد و طواط است

ست نیت بها والمستعاده به
 نسی و انلیس و الدنیا التي فتنت
 ان لم تکن معك یا مولای واقیة
 من شرها من الیه الحلق یستهل
 من قبلنا و الهوی و الحرص و الامل
 من شرها الحم اعیت عندك الحیل

بیر در مدح حضرت امیر المؤمنین ع گوید

لعد تجمع فی الهادی انی الحسن
 طاهر آن است که این شعر از کلام صاحب بن عماد اقتباس شده که گوید
 تجمع فیہ ما تصرف فی الوری
 ماقد تصرف فی الاصحاب من حسن

رشید بآلیفات متنوعه دارد

- ۱- انس اللهمان من کلام عثمان بن عفان ۲- تحفة الصدیق من کلام ابی نکر الصدیق
- ۳- حدائق السحر من دقائق الشعر که بارها چاپ شده است و در مقام معارضه با کتاب ترجمان الملائعة قرچی سیستانی برین پارسی تألیفش داده و دارای هشتاد و دو نوع از محسنات بدیعیّه با شواهد شعری عربی و پارسی آنها میباشد ۴- دیوان اشعار ۵- رسائل عربی

که بدو قسمت می‌باشد، یکی نامه‌هایی است که بملوک و سلاطین و وررا و خلفا نوشته و دیگری نامه‌هایی است که باعیان و اکابر و علما و فضلا نوشته و در قاهره چاپ شده است ۶- رسائل فارسی ۷- عروض اشعار یا رساله عروض اسرار ۸- فصل الخطاب من کلام عمر بن خطاب ۹- ماحری سه و بین الرمحشری ۱۰- مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب که در لیسسک چاپ شده است

محصی بماند که هر يك از این کتاب و سه کتاب دیگر مذکور در بند يك و دو و هشت، شرح پارسی صدکلمه از کلمات قصار هر يك از خلفای راشدین است ولادت رشید سال ۴۸۰ یا ۴۸۷ قمری در بلخ و وفاتش سال ۵۵۲ یا ۵۷۳ یا ۵۷۸ قمری (ثب یا ثعج یا ثعج) در حواریم بوده است

(بی وه و ص ۷۷ و ۲۹ ح ۱۹ حم و ۲۲۲ ح ۱ مع و ۱۹۲۱ مط و ۲۲۸۲ ح ۳ س)

رسدالدوله
نوشته بعضی، همان رشیدالدین فصل الله است که بعنوان ابن ابی الحیر
در باب کسی خواهد آمد

رسدالدین
ابو حلیفه- از مشاهیر اطبای قرن هفتم هجری می‌باشد که در سال
۵۹۱ قمری متولد و متصدی طبابت حندی از ملوک مصر و مورد

عنایات ایسان بود و نوادر بسیاری در حدیث و طبابت وی منقول دارند از بآلیفات او است
۱- المحصار فی الادویه المعرودة ۲- مقاله‌ای در حفظ الصحة ۳- مقاله‌ای در
اینکه لذات روحانی بهتر از لذات جسمانی است اسم و سال وفات بدست نیامد و شاید
نامش بزرگوار همان رشیدالدین بوده و یا خود ابو حلیفه باشد (ص ۲۸۸۱ ح ۳ س)

رسدالدین
ابوالمصور بن علی- صوری، از مشاهیر اطبای اسلامی می‌باشد
که در مولد خود بلده صور تحصیل مراتب علمیّه نمود پس بقدر

حلیل رفته و مدتی طبابت بیمارستان آنجا برداشت، بر د ملوک مصر تقریب یافته و رئیس
الاطبای دیار مصر شد و سال ۶۳۹ قمری (علط) درگذشت و از بآلیفات او است

۱- ادویه الترناق الكبير ۲- الادویه المعرودة و باده صور در (ص و) خواهد آمد

(ص ۲۲۸۱ ح ۳ س)

رسیدالدین	علی بن حلیفه - بعنوان ابن ابی اصبیعه خواهد آمد
رسیدالدین	فارقی - بعنوان رشید فارقی مذکور شد
رشیدالدین	فاروقی - محمد بن محمد بعنوان رشید و طواط مذکور شد
رشیدالدین	فصل الله - بعنوان ابن ابی الحیر در باب کنی خواهد آمد
رسیدالدین	محمد بن علی - بعنوان ابن شهر آشوب در باب کنی خواهد آمد
رسیدالدین	محمد بن عمادالدوله - همان رشیدالدین فصل الله فوق است
رسیدالدین	محمد بن محمد - بعنوان رشید و طواط مذکور شد
رسیدی	گاهی رشید و طواط سالک الترحمه را گویند چنانچه اشاره نمودیم

ر صافی

ر صافی	احمد بن محمد بن سلمه - شرح حالش موکول بعلم رحال است
ر صافی	کامل - مصطلح عام رحال و رجوع بدان علم نماید
ر صافی	محمد بن غالب - بعنوان رفاء خواهد آمد
ر صائی کاسانی	ار شعرای قرن دهم ایرانی میباشد ، بعمل کتابت امرار معیشت میسود ، سال پهد و هشتادم هجرت نامر عبدالله خان اوریگ

۱- ر صافی - بصم اول ، منسوب است بر صافه و آن نام حدیدین موضع میباشد ر صافه واسط (در ده فرسخی واسط است) ، ر صافه بسا نور ، ر صافه قرطبه ، ر صافه نلسیه ، ر صافه بصره (که سهری است کوحک در نزدیکی آن) ، ر صافه سام ، ر صافه حجار و غیر اینها که تا ده موضع بهمن اسم ر صافه ، در محل خود از کتب مربوطه مذکور و اسهر از همه ر صافه بغداد است که در سمت شرقی آن واقع و لسگر گاه مهدی عباسی بود ، نامر منصور ، خانه هائی در آنجا بنا نهادند و مسجد بزرگی ساختند و مردم آنجا گرد آمدند قنور جمعی از حلفا بر در آنجا است که در اواخر حراب سده بوده تا آنکه مستبصر عباسی حصارى با آخر بدور آن کشید بالحمله بعضی از مسوین بر صافه را تذکر داده و تبسین آن را که کدام يك از مواضع مذکوره است موکول بقرائن و بسع خود مراجعه کنندگان میدارد (صد و عره)

- در حراسان مقتول شد وار اشعار او است
 سیهام شد چاک چاک، از سکه امشب دل تپید
 وعده وصل تو کم، از رحم شمشیری بود
 اسم و مشخص دیگرش بدست بیامد
 (ص ۲۲۸۶ ج ۳ ص)
- سید ابراهیم بن محمد باقر - در ضمن ترجمه حال برادرش صدرالدین
 ر ص ی
 بن محمد باقر خواهد آمد
- سید ابوالقاسم بن سید حسین - يك يا دو يا سه تن بوده و در تحت
 ر ص ی
 عنوان لاهوری نگارش خواهد داد
- حسن بن محمد - ترجمه حالش موکول بکتاب رحال است
 ر ص ی
- سید صدرالدین بن محمد باقر - قمی بعنوان صدرالدین خواهد آمد
 ر ص ی
- میرزا محمد باقر بن ابراهیم - یا محمد ابراهیم بن محمد باقر بن
 ر ص ی
 محمد علی حسینی ر ص ی، قمی الاصل، همدانی المسکن والولادة،
 از اکابر علمای اوائل قرن سیزدهم هجرت میباشد که اشعار خوب می گفت ، رساله ای در
 معاد حسامی و شرح اصول کافی از تألیفات او است در هیجدهم صفر ۱۲۱۸ هـ قمری (عریح)
 در همدان وفات یافت، حواره اش را بنام نقل داده و در دار الحفاظ دوشش کردند ظاهر آن
 است که او برادرزاده سید صدر قمی شارح واقیه است که ترجمه حال او بعنوان صدرالدین
 بن محمد باقر خواهد آمد پرداخت (سطر ۳۵ ص ۳۳۲ ت)

ر ض ی

- ابونکر بن عمر بن علی بن سائیم - قسطنطینی قدسی شافعی نحوی
 ر ص ی
 در قدس بزرگ شده و فنون عربیه را از ابن معط و ابن حاجب

۱- ر ص ی - عنوان مسهوری بعضی از علما و اکابر ادبا و ارباب فضل و کمال میباشد و
 در اسحا با اداره مساعدت وسائل مقتضیه شرح حال احتمالی بعضی از ایسان پرداخته و بعضی دیگر
 را که نامشام قند دیگر معروف و موصوف هستند با همان عنوان مقیدی آن مذکور خواهد بود،
 مثل ر ص ی الدین و مانند آن و رویه مذکوره در عنوان رسد سر منظور خواهد شد ، چون بعضی
 از ایسان نام محل و موطن خودشان و یا بصمیمه و صمی دیگر شهرت دارند اینک ترتیب آنها
 را بر بجهت سهولت امر مراجعین رعایت مینماید

فراگرفته و داماد ابن معط بود ، در فقه و حدیث نیز مهارتی سرا داشت و مرجع استفاده جمعی وافر بود ، در سال ۶۹۵ هـ قمری (حصه) درگذشت ابوحنیفان مشهور نیز ارتلامده وی بوده و تصدیقه مفصلی مدحش گفته است (سطر ۳۲ ص ۲۸۷ ت)

استرآبادی ، محمد بن حسن - شیعی امامی استرآبادی ، ملقب

ر ص ی

سبحم الاثمة و بحم الدین و رصی الدین ، معروف برصی و فاضل

ر ص ی و شارح ر ص ی ، از مشاهیر نحویین و علمای عربیه میباشد که محقق و مدقق ، از نوادر زمان ، عمائب جهان ، مایه افتخار عجم بر عرب ، شیعه بر دیگر فرق اسلامیّه بود ، در معرفت مراتب عالیّه علمیّه او معرفی بهتر از تألیفات خودش نمیشد

۱- شرح شاهنامه ابن حاحب در صرف که معروف برصی بوده و در ایران چاپ

شده است ۲- شرح فصائل سبعه ابن ابی الحدید ۳- شرح کافیه ابن حاحب در نحو که برصی معروف و بارها در لکناو و استانبول رقاران و ایران چاپ و حاوی دقائق و تحقیقات زیادی است که در همه آنها متکرر و متعرد ، بن العریقین مسلم ، تمامی مصنفات عامه و خاصه که در این موضوع نگارش یافته مقدم و محل استفاده و رجوع مدرّسین و مصنفین و اساتید فنّ می باشد

حلال الدین سیوطی گوید نظیر کتاب شرح کافیه در احتمال تحقیقات و جامعیت

مطالب عالیّه دیده شده و ر ص ی هم در اثر همین کتاب خود به شارح ر ص ی شهرت یافته است ، خود ر ص ی ، در دیباجه این کتابش گوید هر مطلب لطیف و تحقیق شریفی که در این کتاب باشد همانا از افاضات مرتصوئیه بوده وار برکات آن آستانه علیّه میباشد و در آخر همین کتاب نیز پیش از احکام (ه) و صیغه هاء سکت گوید این است پایان شرح مقدمه و سپاس خدا را که در ماه شوال ۶۸۶ هـ قمری با تمام آن در آستانه مقدسه عربیه موفق فرمود این حمله ، منافی قول کسانی است که تاریخ امام این کتاب را سال ۶۸۳ گفته اند و نیز منافی وفات او در سال ۶۸۴ هـ ق میباشد حنا بجه بعضی گفته اند

تاریخ وفات ر ص ی ، موافق قول امل الامل ، همان سال مذکور اتمام شرح کافیه و

يجرى العلف بعدا وقال سيبويه حتى من لثوقه له سمع عن يثيا يقول اعطى ابيصه بعد
 والها للشك وهو موافق للشود الذي سار التكت الاطلاق الا ما حركه بعدا عولتية وانما
 حرك الحظف الاصل من الاطلاق كما كانا قوب ونقل الحركة فيما قبله ساكن
صحة الالفحة الاله الهرة وهو ايضا قتل مثل هذا بكار
وخبثوا وحدث بكار وخبثي ورايت الخبثا والفتاك ورايت
التكرو لا بعد احبار ولا من قتل ويقال هذا التوذو ووزن
البطير ومنهم من يقتر قيلت قوله ونقل الحركة وجه الة من و هو الوصف
 وهو قبل الفحة التصغير الاله الهرة كما ذكرنا وذلك لغرض انهما ما قبل حركة الهرة وانما
 نقل هذا لتغير شايه الاله في الظاهر بكون العز الساكن من ما لظم مرة ما لظم مرة بالكر والاسباب
 الحكا و عارضة وايضا المتكرو لتقال الاول المدح قوله يكون في الاحمد الى العارضة وانما
 مثلهم فكل الغزان من الساكن والضم بالواو الهولبية الدالة على الهمي والوعيت واللا حو
 قد من المتيناف فالجهد الغزان من الساكن فقط وهذا التعلقات في الزم والحة اتقانا وانما
 في التصان كان الهم متونا ولا ثبت الدالة بعوده خلفهم العلة ايضا وان لم يكن متوافد
 منه سيبويه وقال ابقا دلست بكار ما على الاله عارضة والاصل للموز فالمتوف باللام
 في حكم المنور ونجد سيبويه جزمه كونه مثل الموضع والجرير سوانه صحت ليسان اللام وان كان
 المنصور غير المنور محمود الا ان فقد ثبت النقل في اتقانا لما ذكرنا قتل من حفا الهرة ساكنه
 بعد الساكن وكذا لعمهم ذلك في الهرة حوز واجهنا التعلب مع الاداء الى الورد المروض في هذا القول
 من الرطير ولم يكونوا ذلك في غيرها فلم يقولوا بعدا عدل في الامر فغيره كان يتقلد نحو بكار اذا
 اشق له مثل عدل وعقل لفتح العير القاة الرقة التصبيح الحز فيقول بعدا العديل والنقل
 ووليت العديل والنقل ومنه بالعدا والنقل الاله لما لونه في حية القوم والحزيبها الملا
 بوقر الى الورد المروض ليقول المنصب جعل الاصول التكت بزاويه قوله ومنهم من يفره

كلمة حظ رصي اسرآ نادى ١٩٠

قطعه من نور صفحه ١٢ كتاب شرح سافه مناسد كه بحلم سارح بوده وسعدا اصل اسب وصور حط
 سارح كه در صفحه آخر كتاب من قوم اسب تدبى شرح اسب (من الاله تعالى لا امامه غيره ربيع الاول
 سه دمان و دمان و ستهام على يد الملحق الى حرما المظهر محمد الحسن الاسترآ نادى)

با نوشته بعضی در سال مابعدی آن ۶۸۷ هـ قمری (حجر) بوده و سند شریف حیرحانی
آبی الترحمه بحسن کسی است که او را بحم الاثمه ملقب داشته است
(ص ۲۸۷ ب ۱۴۱ هـ و ۴۹۹ ملل و ۱۱۷ لس و عره)

ر ص ی - اصفهانی - بعنوان آقا رصی اصفهانی مذکور شد

ر ص ی { اصراری
یا
شاطبی } محمد بن علی بن یوسف - اصراری ساطبی بحوی
لعوی، ملقب برصی الدین، معروف برصی، مکنی

باو عبدالله، درون لعت امام عصر خود بود، در قاهره ندیگران تقدم داشت، حاسیه
برصباح جوهری نوشته و تکمیلش موده و سال ستصد و هشتاد و تنس ار هجرت در قاهره
درگذشت ابو حیان مشهور آبی الترحمة در مر بیه اس گفته است

راح الرصی الی روح و رحمان
وافی الحمان فوافها مر حرفه
فلیهیدان عدا حار الرصوان
بعمها الاهل عن حور و ولدان

او غیر از ساطبی قاری است که نامش قاسم بوده و خواهد آمد
(سطر ۲۳ ص ۲۸۷ و ۱۱۱/۱۱۱ ب)

ر ص ی صاعانی، حسن بن محمد بعنوان صاعانی خواهد آمد

ر ص ی { علی بن سعید
یا
عربی } در ربر بعنوان رصی لالا مذکور است

ر ص ی قدسی - همان رصی ابونکر بن عمر مذکور در فوق است

ر ص ی فروسی، محمد بن حسن - بعنوان آفا رصی قروسی نگارس با فیه است

ر ص ی قسطنطنسی - بعنوان رصی ابونکر بن عمر در بالا ذکر شد

ر ص ی لالا، علی بن سعید بن عبدالجلیل - عربوی حوسبی، از اکابر عرفا
و صوفیید، از مردان شیح بحم الدین کمری، عموراده با بوء

عموی حکم سائی، یا سیحه خود سائی و حدس عبدالجلیل سر وی بوده است لالا،
در کثرت مجاهده و ریاضت و برك دنیا اء حد عرفا بود، مسافر تها کرده و بقیص حضور
اکابر مسابح طریف نایل و اردسب صد و بیست و چهار با سصب و چهار بن ار ایشان

حرقه پوشیده است، بموشه حریبه الاصفیاء در هندوستان بصحبت ابوالرصای هندی نایل آمد، شانه محاسن مبارک حضرت رسالت ص را که برای او برد وی امانت بوده گرفت (والعهده علیه) و از اشعار لالا است

هم حان بهرار دل گرفتار تو هست
هم دل بهرار حان خریدار تو هست
اندر ظلمت نه جواب دارد نه قرار
هر کس که در آرزوی دیدار تو هست

ایضاً

عشق ارحه سی حون حگرها دهدت
هر چند که نار عشق ناری است عظیم
لالا، سال شصت و چهل و دو یا سه از هجرت در غربت یافت، در روضه سلطان محمود عربی بحاک رفت، با تراولی حمله سند اکرم علی ابن سعید = ۶۴۲ و با بردومی حمله شاهنار هوای عالم قدس = ۶۴۳ ماژة ناریح او است

(ص ۲۲۸۲ ح ۳ ص ۱۴۷ و لس و ۱۲۷ ص ۲۶۷ ح)

- | | |
|-----|---|
| رصی | نعوی، محمد بن علی - نعمان رصی شاطبی مذکور شد |
| رصی | محمد بن حسن - دوس بوده و نعمان رصی استرانادی و آقا رصی فریبی مذکور شدند |
| رصی | محمد بن حسین - معروف بسید رصی بهمین عنوان معروفش مذکور شد |
| رصی | محمد بن علی - نعمان رصی شاطبی مذکور شد |
| رصی | محمد الائمه - نعمان رصی استرانادی نگارش دادیم |
| رصی | نعوی، ابونکر بن عمر - نعمان رصی ابونکر مذکور شد |
| رصی | نعوی، حسن بن محمد - نعمان صاعانی خواهد آمد |
| رصی | نعوی، محمد بن حسن - نعمان رصی استرانادی مذکور شد |
| رصی | نعوی، محمد بن علی - نعمان رصی شاطبی مذکور شد |

رضی الدین^۱

رضی الدین	ابونکر بن عمر - بعنوان رضی ابونکر مذکور شد
رضی الدین	احمد بن اسمعیل - طالقانی بعنوان ابوالخیر مذکور خواهد شد
رضی الدین	حسن بن فصل طبرسی - بعنوان صاحب مکارم الاخلاق خواهد آمد
رضی الدین	حسن بن محمد - بعنوان صاعانی خواهد آمد
رضی الدین	رحب برسی - بعنوان حافظ رحب مذکور داشتیم
رضی الدین	علی بن احمد - بعنوان مریدی خواهد آمد
رضی الدین	علی بن سعید - بعنوان رضی لالا مذکور شد
رضی الدین	هر سه در باب کسی بعنوان ابن طاوس مذکور خواهد شد { علی بن عبدالکریم علی بن علی بن موسی علی بن موسی
رضی الدین	
رضی الدین	
رضی الدین	علی بن یوسف بن علی بن مطهر - حلی، برادر علامه حلی، متوفی سال ۶۲۷ هـ ق عالمی است فاضل، در طرق احارات مذکور، فصل او مشهور، برادر راده اس و حرا المحققین و حواهر راده اش سید عمید الدین بن عبدالمطلب از او روایت کرده اند، او نیز از برادر معظم خود و حال خود محقق حلی روایت می نماید از تألیفات او است
	کتاب العدد الفویة لدفع المحاور الیومیة یا العدد الفویة فی وظائف الاوقات المعیبة والادعیة والاعمال الشریفة و آن کتابی است در اعمال اثنام ماه و سعد و نحس آنها، سال وفاتش بدست بیامد (ص ۳۹۷ ت)

۱- رضی الدین - لقب جمعی کثیر از اکابر ارباب فصل و هر میباید، بعضی از ایشان را نادره مساعدت و سائل موجوده تذکر مدهد و شاید بعضی از اسان که در تحت این عنوان باشد بعنوان رضی، مذکور شده باشد و رجوع بدانجا هم شود

محمد بن آفاحسین - حواساری برادر کبیر آقا جمال حواساری
 رصی الدین
 (متوفی سال ۱۱۲۵ هـ قمری) که پیش از او در جوانی وفات یافته
 و هر دو برادر مستقیماً محمد بوده اند از تألیفات رصی الدین، کتاب المائدة السماویة است
 در اطعمه و اشاره که برای شاه سلیمان صهوی بر زبان فارسی تألیفش داده و سال وفاتش بدست نیامد
 (ص ۲۱۷ ج ۲ دربعة)

محمد بن حسن - بعنوان رصی استرآبادی مذکور شد رصی الدین

محمد سرحسی - بهمین عنوان سرحسی خواهد آمد رصی الدین

محمد بن علی - بعنوان رصی شاطبی مذکور شد رصی الدین

محمد بن محمد - سرحسی ، بعنوان سرحسی خواهد آمد رصی الدین

محمد بن محمد بن محمد - بعنوان آوی نگارس دادیم رصی الدین

بیشانوری، نوشته فاموس الاعلام ، از مشاهیر هلما و شعرای عامه
 میباشند، جمعی و افراد محصلین در حوره درس وی حاضر می شدند،
 رصی الدین

کتابی محیط نام در فقه تألیف داده و از اشعار او است

همیشه چشم من مانده است در مهتاب روی تو
 از آن، در پس حور سدنش همی دارم که م دارد
 چون نام او بدست نیامد بر تیب را در محل و موطن او رعایت کردیم و شاید نام او همین
 رصی الدین باشد و در سال ۵۹۸ هـ قمری (صبح) در گذشت حاصل نوشته مجمع الفصحا و
 ریاض العارفین بدون ذکر اسم و زمان و تاریخ وفات او آنکه رصی الدین بیشانوری از
 معارف فصلا و سعرا و اکابر عرفا ، در تمامی عاوم مسلم تمام اهالی آن مرز و بوم بود ،
 مدنی مداحی ارسال بن طغرل سلجوقی را نمود ، در اواخر حال بوی گلشن حقائق
 بمسامس رسیده در سلك عرفا و اهل حال داخل و شیخ معین الدین حموی دست اراد
 داد ، در اندک زمانی بمراس عالیه عرفانه برقی نمود و از اشعار او است

تی که طعمه رند لعل باب را شکر س
 سه روز سد که نمی یابم از کسی خبر س

ساع حویمیش ایرا ساع می بیسم
 عباو آنده و درد و بلا و محنت و ریح
 در حست رار فلک دایره وار
 در کار شکست این تن چون سوزن

رقد سرو و ررحسار ارعوان اثرش
 مطولی است همه، لفظ عشق مختصرش
 سیار نگشتیم سر چون پرگار
 دردا که بیافتیم سررشته کار

نگارنده گوید وحدت و تعدد صاحب عنوان (رعی الدین بيشانوری) بحسب مدلول بعضی
 کلمات اهل فن محل تردید بوده و بحسب صیق مجال تحقیق مطلب را بعهده خود مراجعین
 محول میداریم (ص ۲۲۸۷ ح ۳ و ۲۳۱ ح ۲ مع و ۱۲۶ ص)

رعی الدین همة الله بن حامد - بعنوان عميد الرؤساء خواهد آمد

رعی الدین یوسف بن حیدره - بعنوان رحمی مذکور شد

رعی الدین یونس بن محمد - بعنوان اربلی مذکور شد

رعینى^۱

رعینی حابر بن یاسر } وعیرایشان مصطلح علم رجال بوده و ترجمه حال

رعینی حارث بن تمیم } ایشان موکول بدان علم شریف است

رعینی قاسم بن فیره - بعنوان شاطی خواهد آمد

رعینی محمد بن شریح - بعنوان ابن شریح در باب کسی خواهد آمد

۱- رعینی- در مرآصد گوید با صفة مصر، با حیه ایست دریم و هم قصر بر رگی است
 دریم و یا کوهی است در آن که در آن کوه قلعه و حصاری است که آن را پیر بدان جهت دور عن
 گویند در تنقیح المقال ضمن ترجمه حال حابر بن یاسر رعینی بعل از تاج العروس کرده و گوید
 رعینی (برورن ریبر) منسوب است بدور عن پادشاه حمر از اولاد حرب بن عمرو بن حمر بن
 سا و ایشان آل دی رعین هستند، رعین بر قلعه و حصاری است دریم و یا کوهی است در آن که
 آن قلعه در آنجا بوده است و هم با حیه دیگری است دریم که شعب دی رعین معروف است باری
 بعضی از معروفین بهمین نسبت (رعینی) را تذکر میدهد

رفاء^۱

رفاء احمد بن مسیر - در باب کسی بعنوان ابن مسیر خواهد آمد

رفاء سری بن احمد - بعنوان سری رفاء خواهد آمد

رفاء محمد بن عائب - اندلسی رصافی ، مکی بنو عبدالله ، از مشاهیر
شعراى اندلس میباشد، اشعار لطیف دارای معانی طریف می گفت
که همه آنها در السنة مردم بلاد دیگر دایر است در حق حوایی که محص و نمودگریه،
حشمهای خود را با آب دهانش تر و نمناک میکرد گوید

یسلم مآقی ره تیه بریه
و نوهم ان الذممع ال حمونه

و یحکی النکا عمدا کما اتسم الرهر
و هل عصرت نوما من الرحسن الحمر

اصاً

و مهمهف کالعصن الا انه
اصحی پیام وقد تکلل حده

تجیر الالباب عند ثمانه
عرقا فملت الورد رش ثمانه

در ماه رمضان ۵۷۲ هـ قمری (ثعب) در شهر مالقه از بلاد اندلس در گذشت رصافی مسوب
به رصافه نلسیه یا قرطبه از بلاد اندلس میباشد و شرح آن در رص مذکور شد
(ص ۱۱۲ ج ۲ کا)

رفاعی^۲

رفاعی ابراهیم بن سعید بن طیب - مکی بنو اسحق، ادیب نحوی شاعر
ماهر، از اکابر علمای علوم عربی و از شاگردان ابوسعید سیرافی

۱- رفاء - بر وزن سماء رفوگر را گویند و بعضی از معرووفین آن را می نگارد در
اصطلاح رحالی ، لقب احمد بن عبدالله بن احمد و حمی دیگر بوده و شرح حال ایسان موكول
بدا ان علم شریف است

۲- رفاعی - نكسر اول مسوب به سی رفاعه که بطبی است از رید بن حرم از حدام از
قنائل قحطابه ، سر یکی از بطون عدرة بن رید از قضاة از قنائل قحطابه ، بیر بطبی است از
عامر بن صعصعة از قنائل عدنابه در تنقیح المقال بعد از ابن حمله که در شرح حال محمد بن
ابراهیم رفاعی کوفی از اصحاب حضرت صادق ع نوشته گویند معلوم نیست که محمد مدکور بکدام مک
از بطون مریور سنت دارد باری بعضی از موصوفین بهم سنت رفاعی را تذکر میدهد

بود، کتبلت و اکثر دواوین مختلفه را از وی استماع نمود، عاقبت بریدیه که مردماش شیعی رافعی بوده اند رفت، با ایشان مجالست و مصاحبت نمود، لاجرم او را تشیع مسوب داشته و طریق بی اعتدالی پیمودند تا سال ۴۱۱ یا ۴۲۲ هـ قمری (تیا یا تکب) به لیت خوف از آن مردم که با وی حصومت مدهمی داشتند وفات یافت و حصاره اش را غیر از ابوالفتح بن مختار نحوی و ابوعالی بن شران، کسی دیگر تشیع سموده و از اشعار او است

و احنه ما کنت احسب انی انلی نبیهم فعت و نانو

بات المسافة فالتدکر حظهم مسی و حظی منهم السیان

(ص ۲۹۶ ج ۵ عن و ۱۴۴ هـ و ۱۹۳ ج ۲ مه و ۱۵۴ ج ۱ حم)

رفاعی احمد بن عبدالرحیم - بعنوان صیادی خواهد آمد

سید احمد بن علی بن احمد - یایحیی، رفاعی المساک و الطریقه،

رفاعی

ابوالعباس الکیبیه، شافعی المذهب، حسینی موسوی السبکه

سب او نادوارده واسطه بحضرت موسی بن جعفر ع موصول میشود، از آن رو که حدّ ششم او ابوالمکام حسن معروف بر فاعه بوده او را نیز بحجت اتساب وی رفاعی و ابن الرفاعی گویند صاحب ترجمه از اکابر فقها و عرفا و مشایخ طریقت و مؤسس سلسله رفاعیه از فرق صوفیه بوده و سلسله طریقت او با پنج واسطه بحیدر بغدادی منتهی میشود، دومرتمه حایر مقام عوئیت بوده و از این رو بعنوان و لقب ابوالعلمین نیز موصوفش میمایند، کرامات بسیاری بدو مسوب و اعتقاد کامل در باره وی دارند از تألیفات او است

۱- حکم الرفاعی ۲- ریحیق الکوثر من کلام العوثر الرفاعی الاکبر ۳- السرا المصون

۴- النظام الخاص لاهل الاحتصاص که همه آنها در تصوف میباشد، اولی و چهارمی در فاعه،

دومی در بیروت و سومی در مصر چاپ شده اند وی سال ۵۷۵ یا ۵۷۸ هـ قمری (ثعه یا ثعج)

در دیهی امعیده نام از ناحیه بطایح، در میان واسط و نصره که مولدش بیرآجا بوده

در گذشت، فرش معروف و مرار فرقه رفاعیه میباشد و از او است

اذا ح نلی همام قلبی بدکرم انوح کما ساج الحمام المنطوق

و فوفی سحاب یمنرا لهم والاسی و تحتی سحار بالاسی بتدق

سلوا ام عمر و کیف بات اسپرها
 تملك الاسارى دوسه وهو موثق
 ولا هو مقتول فى القتل راحة
 ولا هو ممنون عليه فيطلق

اتماع و مریدان اورا احوال عجیب و حیرت انگیزی مسوب دارند از قبیل شیر درنده سوار شدن ، شور آتشین فرورفتن و خاموشش گردآیندن ، مار را رنده خوردن یا سر آنرا با دندان گرفتن و از بدش جدا ساختن گاهی در موسم معینی سر قر رفاعی حاضر میشود ، هیرم را آتش رده و رقص کنار درمیان آن آتش میروند ، و بعضی ارایشان آتش را میخورند و بعضی دیگر درمیان آن غلطیده و خاموشش گردانند
 (ص ۹۷ ح ۱ مع و ۹۴۷ مط و ۲۲۹۰ ح ۳ س و ۵۷۲ ح ۱ کا و ۱۴۲ هـ)

رفاعی محمد بن ابراهیم - موكول بعلم رجال است

رفاعی محمد بن عبدالله - بعنوان محرومی خواهد آمد

رفعت احمد ، معروف برفعت، از ادبای نامی عثمانی اوائل قرن سیزدهم هجرت و مؤلف کتاب لغات تاریحیه و جغرافیه میباشد که طی هفت

مجلد سال ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ هـ قمری در استانبول چاپ و قسمت عمده از مطالب تاریخ و جغرافیا را ترتیب حروفی هجا با زبان بسیار فصیح ترکی نگارش داده است و چنانچه تحت عنوان محمد حسن خان ، مؤسس دولت قاجاریه (۱۱۶۱-۱۱۷۲ هـ) نگاشته سال ۱۲۱۲ هـ ق که سال رحلت آقا محمد خان قاجار و انتقال سلطنت بفتحعلی شاه میباشد در قید حیات بوده است و علی العماله شرحی دیگر بدست بیامد
 (از خود آن کتاب اسخراج شد)

رفعی مرزا عباس با محمد عباس بن میرزا احمد بن محمد بن علی بن ابراهیم - همدانی شیروانی اصفاری یمانی همدی ، مورخ ادیب شاعر ماهر

معاصر، در شعر برفعت بخلص میکرده و تألیفات نفیسه دارد

۱- آثار العجم و آن غیر از آثار عجم فرصت شیرازی است که بهمین عنوان خواهد آمد

۲- تاریخ الائمة ۳- تاریخ افاعنة که فارسی است ۴- تاریخ المواهر (یعنی اسماعیلیه بهره) ، این کتاب بربارسی است و عقائد اسماعیلیه و اثمة ایتان و کیفیت دعوت ایشان را در آن

ذکر کرده است ، نام اصلی این کتاب *قلائد الحواهر فی تاریخ البواهر مساسد و تاریخ تکو*
 بیرگوید ، آن را *سام سید محمد صدیق حسن حان روح ملکهٔ بهوپال* تألیف داده است
 ۵- *تاریخ بهوپال* که فارسی است و چاپ شده و آن را *بیر سام سید محمد* مذکور تألیف
 داده است ۶- *تاریخ دکن* که همان *چارچمن* مذکور در زیر است ۷- *تاریخ سرندیب*
 ۸- *التاریخ الثمیس و محتمل* است که همان *تاریخ البواهر* باشد ۹- *تاریخ تکو* که همان
تاریخ البواهر است ۱۰- *تاریخ وقایع العثمایی مع الروس* که سال ۱۳۰۴ تألیف و در سال
 ۱۳۰۷ قمری در حال حیات خود مؤلف چاپ شده است ۱۱- *حواهر حانه* ۱۲- *چارچمن*
 در *تاریخ دکن* ۱۳- *قلائد الحواهر* که *سام* *تاریخ البواهر* مذکور شد وفات رفعت بعد از
 سال ۱۳۰۷ قمری می باشد و سال آن معلوم نیست

میرزا احمدخان همدانی شیروانی یمانی ، پدر رفعت *بیر از فصلای نامی* بود ،
 سال ۱۲۲۰ قمری در کلکته بوطس کرد ، سال ۱۲۵۶ قمری (عربی) در یونه درگذشت
 سه کتاب *الحوهر الوقاد* ، *المساقب الحیدریة* ، *نهضة الیمن* از تألیفات او است و هر سه چاپ شده است
 (مواضع متفرقه از دریعة)

از عرفا و شعرای *بیر* می باشد که مولدش *نابین* ، *حایگاهش* *بیر* ،
گردشگاهش *اسپهان* بود ، در اواخر عهد *صفویه* یا اوائل *افشاریه*

رفیعا

میرسته وار او است

برگشته *رایمان* و *بحویش* آمده اند
 این قوم که در *پناه* ریش آمده اند
 نام و سال وفات و مشخص دیگرش بدست نیامد
 پس رفته *نابین* گمان که *پیس* آمده اند
گرگند که در *لماس* *میش* آمده اند
 (ص ۱۳۱ ص و عبره)

رفیعا محمد بن حیدر - بعنوان *نابینی* *حواهد آمد*

رفیعا محمد رفیع بن فرح - بعنوان *ملا رفیعا* *حواهد آمد*

رفیع الدین محمد بن حیدر - *نابینی* ، بعنوان *نابینی* *حواهد آمد*

رفیع الدین محمد بن فتح الله - *فروسی* ، بعنوان *واعظ* *حواهد آمد*